

و عرضه کننده بدانند، باید به مدیریت مصرف هم بپردازند. حال آنکه از آن سال تا ۱۳۹۶، چه اقداماتی انجام گرفت، موضوع بحث این مصاحبه نیست، ولی سال ۹۶ که مجدداً در این بخش شروع به کار کردم، به این نتیجه رسیدم که ما سال‌های زیادی از اجرای این برنامه عقب هستیم و سریعاً باید جبران ما فسات کنیم. از جمله الزامات دوران مدیریت توأمان عرضه و تقاضا، پررنگ شدن این همکاری بین بخشی است. یعنی سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت صنعت، معدن و تجارت که یکی از متولیان مصرف‌کنندگان آب است، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان برنامه و بودجه که مسئولیت برنامه‌ریزی کشور و تخصیص منابع را دارد و وزارت کشور که در استان‌ها در قالب استانداری و استانداران خودش یک سازوکار بین بخشی به رسمیت شناخته شده است، باید با وزارت نیرو به عنوان دستگاه متولی آب همکاری کنند. به اعتقاد من این اولین نشانه رسمی پذیرش بین بخشی بودن عرصه آب بود. ما بعد از آن بلافاصله در همه استان‌ها کمیته‌های استانی سازگاری با کم‌آبی را شکل دادیم و سعی کردیم این مدل همکاری شش دستگاه را به استان‌ها منتقل کنیم و از آنها خواستیم براساس دستور کار و دستورالعمل‌های برنامه سازگاری با کم‌آبی، برنامه استانی در آقی ۱۴۲۵ تدوین کنند و به تصویب کمیته در استان برسانند، سپس برنامه به مرکز بیاید و به تصویب کارگروه ملی برسد. در نهایت نقشه راه و چارچوب برنامه‌ریزی‌های توسعه آب محور شود. الان تقریباً همه استان‌ها در این زمینه فعالیت دارند، برنامه‌های چند استان هم به تصویب نهایی رسیده که از جمله آنها استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، هرمزگان، بوشهر و اصفهان است. تعدادی از استان‌ها برنامه‌شان در استان نهایی شده و به کارگروه ملی رسیده است.

بر این اساس، پاسخ سؤال این است که موفقیت وزیر نیرو در محقق کردن بخش‌های بویژه غیر کمی برنامه تقدیمی‌اش به مجلس شورای اسلامی که مبنای رأی اعتمادش بوده، به میزان توفیقی که در هماهنگی عرصه کار بین بخشی با دستگاه‌های دیگر داشته، برمی‌گردد که به تعبیر امروزی، تازه فاز اول کار است.

عرصه آب منحصر به دولت نیست و در خارج از دولت بویژه در بخش کشاورزی هم ذینفعان عمده و مهمی دارد، و ما باید همزمان هم سطح علم و دانش و یادگیری را بالا ببریم و هم به مفاهیم برسیم و راه‌های گفت‌وگو را زیر چتر دوران مدیریت توأمان عرضه و تقاضا در دستور کار قرار دهیم. این مربوط به بخش آب است ولی بخش انرژی، طبیعتاً کمی پیچیدگی‌هایش کمتر است و آن بخش هم داستان‌های خودش را دارد.

■ **آمارهایی وجود دارد که نشان می‌دهد حدود ۹۰ درصد آب کشور را بخش کشاورزی مصرف می‌کند. ۸۰ درصد به شرب و ۲ درصد بخش صنعت، همه وزرانی آیند و بحث مربوط به تغییر الگوی مصرف آب بویژه در بخش کشاورزی را مطرح می‌کنند، اما تا به حال هیچ توفیقی حاصل نشده است. آیا شما توانستید توفیقی به دست بیاورید؟**

اگر مخاطبان شما مجموعه دولت باشد، کارهایی شده است. عرصه آب بین بخشی است و من هم اکنون به عنوان سخنگوی آن سازوکار بین بخشی صحبت می‌کنم. تعیین و تدوین الگوی کشت مسئولیت وزارت نیرو نیست، بر عهده وزارت جهاد کشاورزی است، اما چون ما باور داریم آنچه ما از برنامه‌ها عقب انداخته، همین نگاه بخشی بوده، طبیعتاً خود مرتکب چنین خطایی نمی‌شوم و از جانب آن مجموعه عرض می‌کنم که کارهایی شروع شده است. اخیراً جلسه کارگروه احیای زاینده‌رود از سوی معاون اول رئیس‌جمهوری تشکیل شد و نقشه راه احیای حوضه آبریز زاینده‌رود مطرح شد. یکی از مباحث استقرار الگوی کشت مصوب بود و

همکاران وزارت جهاد کشاورزی خوشبختانه اعلام کردند که این الگو را بر اساس شرایط اقلیمی آماده است، ولی برای استقرار آن باید برنامه تفصیلی داشت که همکاری همه دستگاه‌های ما را طلبد. ضمن آن که باید به معیشت جایگزین کشاورزان در مناطق خشک و کم‌آب حتماً پرداخته شود و بدون آن برنامه عملی نخواهد بود.

ما باید یاد بگیریم، گریزی از این مسأله نیست. در تمام نقاط جهان بویژه در مناطق خشک و نیمه خشک که موضوع آب و مسائل مربوط به آن حل و فصل شده، چنین بوده است. نباید توسط ساختارها و سازمان‌های بخشی خودمان اغفال شویم. من بارها در مجلس شورای اسلامی به اعضای محترم کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس عرض کردم کار ما زمانی روی ریل صحیح قرار می‌گیرد که وقتی برای پاسخ‌دادن به مجلس دعوت می‌شویم، مسئولان این چند

به نظر می‌آید ما در کشورمان دیگر خیلی نمی‌توانیم منتظر شرایط اعتدالی باشیم. در بارش‌ها هم بیشتر شرایط حدی را تجربه می‌کنیم، یعنی یا خشکسالی‌های وسیع و پی در پی یا ترسالی‌های وسیع و پی در پی. اینها مستلزم سازگاری با شرایط است. اینکه ما بپذیریم عرصه‌ای مثل مدیریت منابع آب، عرصه بین بخشی است، یک موضوع علمی است و موضوع سیاسی، فراگنی و خارج شدن از مسئولیت نیست

بخش با هم حضور داشته باشند. ما باید یاد بگیریم، تمرین کنیم، به ما تذکر داده شود که هیچ کدام از این دستگاه‌ها، تک و به تنهایی نمی‌توانند موفق شوند و هیچ یک هم تنها ناکام و شکست خورده‌ای عرصه نخواهند بود.

وزیر نیرو مسئول تأمین آب است، اما حل مشکل آب فقط تأمین آن نیست. اگر قرار بود حل مشکل آب فقط به تأمین آن باشد، این میزان علم و دانش در چگونگی مصرف، کنترل آلودگی‌ها و سایر موارد توسعه پیدا نمی‌کرد. ساده‌ترین روش این است که ما مسائل را بخشی ببینیم. راحت‌تر است که برای پاسخ به یک سؤال‌مان یک پاسخ دهنده منحصر به فرد داشته باشیم اما وزارت نیرو، متولی آب است، به این معنی که این وزارتخانه منحصراتمتولی آن است که موضوع آب را مشغله و دغدغه همگانی کند و تا این کار نشود، مسأله آب به سرانجام پایدار نهایی‌اش نخواهد رسید.

■ **در مورد برق هم همین‌طور است، اما به هر حال شما هم متولی هستید. چه کاری برای این بخش‌ها انجام دادید؟**

در یک سری از عرصه‌ها این موضوع پررنگ‌تر است و آب یکی از آنهاست و ما نباید فکر کنیم که به عنوان مثال ادغام دستگاه‌ها و ساختارها این مسأله را حل می‌کند. ما نیاز به سازوکارهای بین بخشی داریم.

تجربه‌های موفق در دنیا هم چنین است که کشورها در عین حال که ساختارهای بخشی نظیر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، دارند؛ ولی سازوکارهایی مانند آنچه ما داریم،

مثل شورای عالی آب و کارگروه‌های ملی را تقویت کرده‌اند و به رسمیت می‌شناسند. دستگاه‌ها و هم‌رسانه‌ها این موضوع را قبول کرده‌اند که پاسخ‌سؤالاتشان را باید از یک سازوکار بین بخشی دریافت کنند. اگر ما این نگاه را تقویت نکنیم، زمان بیشتری را از دست خواهیم داد، مخصوصاً حالا که بحث‌های تغییر اقلیم از یک نظریه صرف عبور کرده و نشانه‌های جدی برای اثبات آن وجود دارد.

به نظر می‌آید ما در کشورمان دیگر خیلی نمی‌توانیم منتظر شرایط اعتدالی باشیم. در بارش‌ها هم بیشتر شرایط حدی را تجربه می‌کنیم، یعنی یا خشکسالی‌های وسیع و پی در پی یا ترسالی‌های وسیع و پی در پی. اینها مستلزم سازگاری با شرایط است.

■ **اما به هر حال شما مسئولیت صنعت آب و برق را پذیرفته‌اید و با این تفکر شاید تنها مسئولیت‌پذیری زیرمجموعه‌های وزارت نیرو را با نگاه بین دستگاهی بین بخشی کاهش دهید.**

نه، به هیچ وجه. اینکه ما بپذیریم عرصه‌ای مثل مدیریت منابع آب، عرصه بین بخشی است، یک موضوع علمی است و موضوع سیاسی، فراگنی و خارج شدن از مسئولیت نیست. من باید جوابگوی این باشم که چقدر این مفهوم را توانسته‌ام مستقر کنم. آن چیزی که من باید پاسخگو باشم، این است: در دوران مدیریت عرضه اینگونه نیست. مثلاً ۴۰ سال پیش، قانون توزیع عادلانه آب وضع کردیم. یعنی مسأله اصلی در عرصه آب، چگونگی توزیع آن بود، یعنی آنقدر آب داشتیم و آنقدر تقاضا کمتر از آن آب موجود بود که مسأله‌ای که ما باید حل می‌کردیم، این بود که این منابع بیش از مصرف، چگونه عادلانه توزیع شود.

افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، نیاز بیشتر به آب، تغییر اقلیم و کاهش منابع باعث می‌شود که بعد از ۴۰ سال دیگر نمی‌توانیم از موضوعی به نام توزیع عادلانه آب صحبت کنیم، باید به سمت حفاظت از منابع و بهره‌برداری پایدار حرکت کنیم، اگر چه کماکان باید به عادلانه بودن هر آنچه انجام می‌شود توجه داشت. من معتقدم بهره‌برداری پایدار خودش وجهی از عدالت است، عدالت بین نسلی است. شیوه‌ای که اکنون از منابع آب استفاده می‌کنیم شامل یکی از اصلی‌ترین شکل‌های بی‌عدالتی یعنی عدم رعایت عدالت بین نسل حاضر و نسل‌های بعدی است. بهره‌برداری پایدار کماکان عادلانه است اما به توزیع عادلانه بین نسل فعلی و نسل‌های آتی توجه تام دارد. مصارف اکنون بالاتر است و دیگر نمی‌شود با مدل‌های آن زمان، به مسأله نگاه کرد. همین پارادایم تغییر در عرضه و تقاضا، یعنی اینکه پاسخگویی به مسأله و مدیریت شرایط، دیگر از یک دستگاهی بر نمی‌آید که فقط تأمین‌کننده یا فقط مصرف‌کننده است، باید سازوکارهای بین بخشی تعریف، تشکیل و بعد فعال شوند تا امکان پاسخگویی وجود داشته باشد.

البته در این زمینه وقتی مسأله‌ای طرح می‌شود، شش دستگاه نمی‌توانند همزمان پاسخگو باشند. یک هماهنگ‌کننده نیاز است که پاسخگو باشد و آن هماهنگ‌کننده وزیر نیرو خواهد بود. مسئولیت سر جایش است، ولی چون آن مدل سنتی که به آن عادت کردیم، یک ارتباط یک به یک است، ممکن است سوءتفاهم شود که نوعی فرار از مسئولیت در حال رخ دادن است. اما اصلاً و ابداً اینگونه نیست: مسئولیت‌های قانونی وزارت نیرو و سر جایش است و بنده هم به عنوان وزیر نیرو باید جوابگو باشم.

■ **آیا الان توانسته‌اید از ظرفیت‌های استفاده نشده‌ای که در برنامه‌تان به آن اشاره کردید، در بخش آب و برق استفاده کنید؟**

تقریباً بله. برای مثال در بخش آب بعد از تشکیل کارگروه ملی سازگاری و بعد در پی آن کارگروه‌های دیگر